



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۲۶	تاریخ	۱۴۰۳/۰۸/۰۸
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	تقریب استدلال				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

بحث ما در استدلال به آیه نفر برای اثبات حجیت خبر عادل بود. گفتیم برای استدلال به آیه نفر برای اثبات حجیت خبر، باید دو مقدمه ثابت شود: یکی اینکه آیه، دلالت بر وجوب حذر دارد و دیگری اینکه بین وجوب حذر و حجیت، تلازم وجود داشته باشد.

تلازم بین وجوب حذر و حجیت را توضیح دادیم و گفتیم اگر وجوب حذر نباشد، عقاب مترتب نمی شود و اگر این وجوب که به وسیله خبر عادل بیان می شود، دارای حجیت نباشد، تنجز ندارد و اگر تنجز نداشته باشد، احتمال عقاب ندارد و اگر احتمال عقاب نباشد، دیگر تنجزی نخواهد بود و با عدم تنجز، حجیت منتفی می شود. در نتیجه بین وجوب و احتمال عقاب و تنجز، تلازم وجود دارد. احتمال عقاب اگر وجود داشته باشد، تنجز وجود خواهد داشت و تنجز نیز مترتب بر احتمال عقاب است و احتمال عقاب، به وسیله وجوب به وجود می آید. می توان به این ترتیب گفت که اگر خبر حجت نباشد، تنجز واقع بر آن مترتب نمی شود و اگر ترتب واقع بر آن مترتب نباشد، احتمال عقاب بر آن مترتب نمی شود و اگر احتمال عقاب نباشد، وجوب حذر وجود ندارد؛ بنابراین از وجوب حذر، به حجیت می رسیم.

بحث ما در مقدمه دوم بود که آیه باید دلالت بر وجوب حذر از انذار منذر کند؛ اگرچه انذار منذر، موجب علم نشود. اگر این دو مقدمه اثبات شود، حجیت خبر عادل اثبات خواهد شد.

بحث در این بود که آیا آیه، دلالت بر وجوب حذر مطلقاً (حتی اگر موجب علم نباشد) دلالت دارد یا خیر؟ گفتیم چند تقریب بر مدعای دلالت آیه بر وجوب حذر به صورت مطلق می توان بیان کرد. خبر واحدی که حکم الزامی را بیان می کند، انذار منذر است. حکم الزامی، حکمی است که تخلف از آن، مستوجب عقاب می شود.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] اصلاً بحث حجیت، فقط در احکام الزامیه است؛ مگر اینکه احکام غیر الزامیه، به شکلی به احکام الزامیه برگردد؛ مثلاً خبر غیر حجتی، حکم استحباب فعلی را بیان می‌کند؛ اگر کسی که می‌خواهد به این خبر عمل کند، به عنوان اینکه این عمل مستحب شرعی است به آن عمل کند، تشریع محرم می‌شود. از باب تشریع محرم، در احکام غیر الزامیه نیز بحث حجیت مطرح می‌شود.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] در احکام وضعی نیز همین است و همیشه یک حکم الزامی بر آن مترتب است؛ از قبیل حرمت اکل، حرمت بیع یا در برخی موارد حکم وجوب و... که در نتیجه حکم وضعی نیز به لحاظ آن لوازمی که بر آن مترتب می‌شود، انذار است. لازم نیست انذار بودن، مستقیماً برای خود حکم باشد؛ بلکه به لحاظ لوازمی که بر آن مترتب می‌شود، به آن انذار گفته می‌شود؛ زیرا عقاب بر مخالفت آن مرتب می‌شود.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] ما می‌گوییم که معنای حجیت، این است که اگر با این خبر مخالفت کنید و بعد مشخص شود که این خبر مطابق با واقع بود، استحقاق عقاب دارید؛ اما در استحباب که عقاب وجود ندارد؛ مگر از باب تشریع. به عبارت دیگر، خبری که دلالت بر امر مستحبی دارد، از این جهت حجت است که می‌توان این عمل را به قصد استحباب انجام داد. اگر این خبر حجت نبود، نمی‌توانستید این عمل را به قصد استحباب انجام دهید؛ لذا حجیت در احکام مستحبه و مکروهه نیز می‌آید؛ لکن به این لحاظ.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] اینکه فعل را به قصد استحباب بیاورم، در حالی که مستحب نیست، استحقاق عقاب دارد؛ لذا این هم انذار است.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] از یک طرف استحقاق عقاب داشته باشد کافی است؛ یعنی اگر من این عمل مستحب را به قصد استحباب انجام بدهم بدون اینکه حجیت داشته باشد، استحقاق عقاب دارد. همین که یک طرف استحقاق عقاب داشته باشد کافی است. اگر انجام ندادید، که دیگر موضوع منتفی است و حرفی در آن نیست؛ اما اگر خواستید انجام دهید، به قصد استحباب انجام دادید و این خبر حجت نبود، آن وقت استحقاق عقاب وجود دارد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] در اخبار مربوط به تکوینات و اخبار غیبی و امثال اینها نیز اگر بخواهید خبر را به خدا و دین نسبت دهید، اسناد به خدا و اسناد به دین بدون حجت است اگر خبر حجت نباشد؛ لذا بر آن نیز عقاب مترتب می‌شود.

بنابراین، هم مسأله جواز اسناد و هم در مسأله حرمت تشریع و هم در مسأله اثبات وجوب حرمت یعنی در احکام الزامیه، به حجیت نیاز است.

اگر دلالت آیه بر وجوب حذر ثابت شد و بین وجوب حذر و حجیت خبر نیز تلازم بود، آیه بر حجیت خبر دلالت خواهد کرد. تقریب تلازم بین وجوب حذر و حجیت خبر را در جلسه گذشته بیان کردیم و همچنین یک تقریب برای دلالت آیه بر وجوب حذر بیان کردیم. خلاصه تقریبی که بیان شد، این است که وجوب حذر، دلالت بر مطلوبیت حذر دارد و مطلوبیت حذر نزد خداوند، به معنای وجوب حذر است. این مطلوبیت از واژه «لعل» استفاده می‌شود که دلالت بر ترجیح دارد. معنای حقیقی ترجیحی که در ذات اقدس حق متعال متصور نیست ولی اقرب المعانی به ترجیحی، داعی مطلوبیت است؛ بنابراین «لعل»

دلالت دارد بر اینکه وجوب حذر در جایی که انذار منذر باشد، مطلوب نزد خداست و مطلوبیت نزد خداوند، به معنای وجوب است؛ مگر دلیلی بیاید که اثبات کند که این مطلوبیت، مطلوبیتی است که جواز ترک دارد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] معنای مطلوبیت، این است که اراده تشریعی الهی به این کار تعلق گرفته است و اطلاقش به معنای وجوب است. اگر این مطلوبیت بخواهد مطلوبیت همراه با جواز ترک باشد، مطلوبیت مقید است که نیاز به دلیل دارد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] هم این تقریب و هم تقریبات دیگری وجود دارد که در محل خود گفته ایم؛ بله، قبول داریم؛ ولی ما به این تعبیر می‌گوییم که مطلوبیت نزد خدا، این است که خداوند این فعل را خواسته است و هنگامی که مولای حقیقی، چیزی را بخواهد، باید آن را انجام داد؛ مگر اینکه خود او بگوید اجازه دارید این خواسته من را ترک کنید. هم در بحث دلالت امر بر وجوب این بحث آمده هم در بحث ماده امر بر وجوب، این بحث به صورت مفصل بحث شده است. بنابراین در تقریب اول دلالت آیه بر وجوب حذر گفته می‌شود که از «لعل»، استفاده می‌شود که آیه دلالت بر مطلوبیت حذر هنگام انذار منذر دارد و این، به معنای حجیت انذار منذر است.

تقریب دوم دلالت آیه بر وجوب حذر

تقریب دوم دلالت آیه بر وجوب حذر از سه بند تشکیل می‌شود:

بند اول این است که آیه، دلالت بر وجوب انذار دارد و آیه می‌فرماید: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ». انذار، غایت نفر شده است؛ لذا آیه، دلالت بر وجوب انذار خواهد داشت.

بند دوم اینکه مقتضای اطلاق وجوب انذار این است که انذار در صورتی که موجب علم نباشد نیز واجب است. بند سوم اینکه اگر حذر از چنین انذاری واجب نباشد، وجوب انذار لغو می‌شود؛ زیرا تبدیل به یک وجوب بدون نتیجه خواهد شد و لغو از حکیم صادر نمی‌شود؛ لذا این انذار واجب، باید برای حذر واجب باشد؛ در نتیجه، حذر باید واجب باشد.

تقریب سوم دلالت آیه بر وجوب حذر

تقریب سوم دلالت آیه بر وجوب حذر نیز از چند بند تشکیل می‌شود:

بند اول این است که آیه، دلالت بر وجوب انذار دارد و دلالت بر این دارد که غایت این انذار، حذر است؛ «لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ... لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ بنابراین آیه دلالت بر وجوب انذار برای تحصیل حذر دارد.

بند دوم این است که نمی‌شود در نزد شارع یا حکیم، مقدمه، مهم‌تر از ذی‌المقدمه باشد؛ لذا اگر فعلی برای غایتی واجب باشد، نمی‌شود که فعل واجب باشد؛ اما غایت واجب نباشد؛ از این رو هنگامی که انذار، برای حصول حذر واجب شده است، نمی‌شود که حذر واجب نباشد و این معقول نیست که حذر واجب نباشد و انذار برای حصول حذر واجب باشد. در نتیجه حذر نیز باید واجب باشد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] غایت، گاهی تکوینی است و گاهی اختیاری است؛ مثلاً اگر پزشکی به مریض گفت: «این دارو را بخور تا شفا پیدا کنی»، شفا گرفتن، اختیاری نیست؛ اما دارو خوردن اختیاری است. اگر غایت غیر

اختیاری باشد، وجوب مقدمه، دلالت بر وجوب غایت ندارد؛ اما اگر غایت اختیاری بود و موجب حکیم، برای حصول آن غایت اختیاری، مقدمه‌ای را واجب کرد، معقول نیست که آن غایت واجب نباشد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] حذر، به معنای ترس قلبی نیست؛ بلکه وقتی گفته می‌شود: «احذر»، یعنی این کار را انجام نده و پرهیز کن. معنای «پرهیز کن»، این نیست که تنها در دل از انجام این عمل بترس؛ بلکه یعنی این عمل را انجام نده؛ منتهی خواه ناخواه، وقتی بناست که یک فعل را انجام ندهید، منشأ آن خوف ترتب از مفسده‌ای است که دارد؛ لذا خوف هست؛ اما خوف تنها، حذر نیست؛ لذا اگر کسی ترسید، اما آن فعلی که از آن ترسید را انجام داد، نمی‌گویند حذر کرده است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین